

جستارهای برگزیده

حواس پرتی مرگ بار
دو جستار برندهٔ جایزهٔ پولیتزر

>

جین واینگارتن

ترجمهٔ مجتبی هاتف

www.ketab.ir



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

www.ketab.ir

سرشناسه : واینگارتن، جین، ۱۹۵۱ - م

Weingarten, Gene

عنوان و نام پدیدآور : حواس پرتی مرگ بار: دو جستار

برنده جایزه پولیتزر / نویسنده جین واینگارتن؛

مترجم مجتبی هاتف؛ ویراستار مانا عسگری.

مشخصات نشر: تهران: ترجمان علوم انسانی، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۱۱۲ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۹۱-۴۰-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: حواس پرتی

موضوع: حواس پرتی (روان شناسی)

موضوع: داستان های روان شناختی

شناسه افزوده: هاتف، مجتبی، ۱۳۶۱-، مترجم

رده بندی کنگره: BF۳۲۳ / ج۹ و ۱۳۹۷

رده بندی دیویی: ۶۴۰/۴۳

شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۴۲۸۷۰

حواس پرتی مرگ بار

دو جستار برنده جایزه پولیتزر

نویسنده: جین واینگارتن

مترجم: مجتبی هاتف

ناشر: ترجمان علوم انسانی

میراث: مانا عسگری

طراح جلد: حمیدرضا بکرانی

صفحه آرا: معصومه کریمی

چاپ: زیتون

نوبت چاپ: سوم، بهار ۱۳۹۸

اول، بهار ۱۳۹۷

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

پست الکترونیکی: publication@tarjomaan.com

tarjoman.nashr@gmail.com

www.tarjomaan.shop

فروشگاه اینترنتی:

حقوق چاپ و نشر در قالب های کاغذی،

الکترونیکی و صوتی، انحصاراً برای انتشارات

ترجمان علوم انسانی محفوظ است.

< | فهرست

- مقدمه ناشر ۹
۱. جین واینگارتن ۹
۲. مرواریدهای قبل از صبحانه ۱۲
۳. حواس پرتی مرگ بار ۱۷
۴. و غیر از این دو ۱۹
- [۱] مرواریدهای قبل از صبحانه ۲۳
- [۲] حواس پرتی مرگ بار ۶۳

مقدمه ناشر

۱. جین واینگارتن

«من پیرم و خل وضع». معرفی نامه‌ای که واینگارتن در وب‌سایت واشنگتن پست درباره خودش نوشته است با این جمله شروع می‌شود. او سال ۱۹۵۱ به دنیا آمده و حالا ۶۶ ساله است، پس خیلی پیر نیست. اما، برای قضاوت درباره خل وضع بودن، جزئیات بیشتری لازم است. واینگارتن، بنا به گفته نزدیکان و همکارانش، آدمی است شدیداً شلخته، با سبیلی که از دو ور لبش پایین آمده و موهایی که سال تا سال رنگِ شانهِ خودش نمی‌بیند. در عین حال، با وسواسی مرض‌وار در نوشتن، بی‌ادب و حتی گاهی وقیح، و با عادت‌هایی عجیب و غریب. مثلاً در

محل کارش عطسه‌های الکی می‌کند تا همکارانش را بترساند. یا ساعت‌ها گوشی تلفن دستش می‌گیرد تا آدم‌ها را سر کار بگذارد. خیلی‌ها او را بزرگ‌ترین روزنامه‌نگار زنده آمریکا می‌دانند. اسطوره‌ای که دو بار پولیتزر برده است، و همین آقا آواتار صفحه توییتش استیکر مدفوع است. می‌رود آنجا و آدم‌ها را مسخره می‌کند یا حرف‌های بی‌ادبانه می‌زند.

جین و اینگارتن در دانشگاه نیویورک روان‌شناسی خوانده است، بعد، یک روز تحصیلات تکمیلی را رها کرده تا داستان یک بانده مافیایی پورتو ریکویی را بنویسد. چند سالی گزارشگری و نویسندگی کرده است و بعد ناگهان دست از نویسندگی کشیده و شده است ویراستار یک مجله حقوقی. چرا؟ برای اینکه به دختری که دوستش داشته نزدیک شود. بعدها با همان دختر ازدواج می‌کند و دوباره برمی‌گردد سر نویسندگی. از یک جابه‌بعد، طنزنویسی را شروع می‌کند که عمده شهرتش هم به همین طنزنویسی و هجونویسی است. باین حال معلوم نیست بهترین نوشته‌هایش برای خندانیدن است یا گریاندن. می‌گوید داستان‌هایش را طوری می‌نویسد که خواننده بر اساس دیدگاه خودش تصمیم بگیرد که باید با آن‌ها تفریح کند یا از آن‌ها متنفر باشد؛ «یک جور کم‌دی و تراژدی هم‌زمان، بسته به اینکه چطوری نگاهش کنی». تام یارتلت، که گزارش بلندی درباره شخصیت

عجیب و اینگارتن نوشته است، می‌گوید: «شخصیت و اینگارتن خیلی شبیه نوشته‌هایی است که اسم او بالایش خورده: شوخ طبع، کنجکاو و وسواسی». و اینگارتن بعدها در مصاحبه‌ای با مجله هادر جونز گفت همیشه جمله‌ای از دیو بری^۱ برایش اِتهام‌بخش بوده است: «شوخ طبعی معیاری است برای اینکه چقدر فهمیده‌اید که در جهانی گیر افتاده‌اید که تقریباً به‌طور کامل از منطق گریزان است. قهقهه شیوه بیان اضطرابی است که در اثر این فهم در درونمان حس می‌کنیم». در واقع، طنزنویسی برای و اینگارتن راهی برای حفظ قوای عقلانی است، شیوه‌ای برای زنده ماندن در جهانی کسبیده.

او، پس از آنکه در واشنگتن پست استخدام شد، نوشتن ستون طنزی به اسم «زیر جاده کمربندی» را آغاز کرد. در کنار آن، همراه با پسرش دن، مجموعه کمیک استریپ‌هایی با عنوان «بازنی و کلاید»^۲ را می‌نویسد. این کمیک استریپ‌ها درباره دوستی یک میلیارد در بایک گداست. در همین حین، گاه و بیگاه مجموعه‌ای از جستارها یا نوشته‌های پراکنده را نیز به شکل کتاب‌های مستقل به چاپ رسانده است. و اینگارتن، در سال ۲۰۰۹، رسماً از واشنگتن پست بازنشست شده است. از آن روز به بعد، کمتر نوشته است و خوب، بهتر است پرسیم کسی که دو بار پولیتزر برده دیگر چه

1. Dave Barry

2. Below the Beltway

3. Barney & Clyde

نیازی به نوشتن دارد؟ در این کتاب، دو جستاری که واینگارتن به خاطرش در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰ جایزه پولیتزر را در شاخه «نویسنده‌گی شاخص»^۱ برده است می‌خوانید: «مروریدهای قبل از صبحانه» و «حواس پرتی مرگ بار»، جستارهایی که به‌طور کامل بازنمایی از دنیای نویسنده‌گی واینگارتن‌اند.

۲. مروریدهای قبل از صبحانه

رابرت سیگل، گزارشگر ان.پی.آر. بعد از آنکه «مروریدهای قبل از صبحانه» جایزه پولیتزر را برای واینگارتن به ارمغان آورد، در مصاحبه‌ای^۲ با او پرسید که ایده این جستار از کجا آمد. واینگارتن می‌گوید که یک روز دیده است مردی دارد در گوشه‌ای از یک ایستگاه مترو ارگ می‌زند، ولی هیچ کس، مطلقاً هیچ کس، به او توجه نمی‌کند. ناگهان از ذهنش گذشته است که اگر خود یو-یو ما^۳ هم آنجا ایستاده بود، کسی برایش تیره خرد نمی‌کرد. در واقع، او به یو-یو ما پیشنهاد این کار را هم داد. اینکه بیاید و در یک ایستگاه مترو ساز بزند. اما به نتیجه نرسید. اینجا بود که تصمیم گرفت سراغ بل^۴ برود، یعنی مشهورترین ویولن‌نوازی که می‌شناخت.^۵ این بار موفق شد او را راضی کند تا امتحانشان را روی بشریت اجرا کنند.

1. Feature writing

۲. Yo-Yo Ma: نوازنده فرانسوی-آمریکایی ویولن سل که او را بزرگ‌ترین نوازنده این ساز در قرن اخیر می‌دانند.

3. Joshua Bell

4. <https://www.npr.org/templates/story/story.php?storyId=89443778>